

سرمقاله

## چالش‌ها و فرصت‌های سینمای کوتاه ایران



امیرافشار فتوحی  
دبیر تحریریه روزنامه صبا

چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، پس از چند روز رقابت و نمایش آثار، امروز به نقطه‌ای رسید که حاصل تلاش فیلمسازان جوان و پرشور کشور با اعلام برترین‌ها مشخص می‌شود.

اگرچه نامزد نشدن یا برنده نشدن برخی فیلم‌ها ممکن است باعث نگرانی برخی فیلمسازان شود، اما این موضوع هرگز نشان از کم‌اهمیت بودن آثار و تلاش‌های آن‌ها ندارد. حضور در جشنواره و اکران تمامی فیلم‌ها بر پرده نقره‌ای و استقبال بی نظیر از آثار خود نماد موفقیت و دستیابی به تجربه‌های ارزشمند برای همه فیلمسازان است. این جشنواره، فرصتی است که هنرمندان جوان با مخاطبان و همکاران خود ارتباط برقرار کنند، آثارشان دیده و مسیر حرفه‌ای‌شان شفاف‌تر شود.

یکی از نکات برجسته که در هر دوره از جشنواره با آن روبه‌رو می‌شویم حضور پررنگ فیلمسازان شهرستانی است. این فیلمسازان با روایت قصه‌های بومی و اقلیم خود، نه تنها به غنای سینمای ملی کمک می‌کنند، بلکه مخاطب را با زندگی واقعی و متفاوت در مناطق مختلف کشور آشنا می‌سازند. چنین تجربه‌ای بسیار ارزشمند و نایاب است و پیشنهاد می‌شود برای دوره‌های بعدی با حمایت انجمن سینمای جوان کشور تعداد فیلم‌هایی با قصه‌های بومی بیشتر شود تا این ظرفیت خلاقانه و فرهنگی به خوبی دیده شود.

اما نکته مهمی که ترجیح می‌دهم در این مقاله به آن اشاره کنم این است که بسیاری از فیلمسازان شهرستانی پس از کسب تجربه و موفقیت در جشنواره، برای دیده شدن و ادامه مسیر حرفه‌ای به تهران مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت بیشترین آسیبی که دارد محروم شدن نسل جدیدی است که در شهرستان‌ها در انتظار آموزش و راهنمایی فیلمسازان باتجربه هستند. فقدان این دسترس، باعث می‌شود فرصت رشد برای علاقه‌مندان تازه وارد محدود و ظرفیت‌های بومی کمتر شکوفا شود. از این رو، توجه به آموزش، کارگاه‌ها و حمایت از فیلمسازان شهرستانی در همان مناطق می‌تواند راهکاری مؤثر برای جلوگیری از تمرکز بیش از حد سینما در تهران باشد.

یکی دیگر از چالش‌های فیلمسازان شهرستانی، نبود امکانات و تجهیزات تولید است. نبود استودیو، دوربین حرفه‌ای و امکانات فنی کافی، باعث می‌شود بسیاری از آن‌ها ناچار شوند تجهیزات مورد نیاز خود را از شهرهای دیگر یا تهران اجاره کنند که هزینه‌های تولید را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد. ایجاد امکانات پایه و پشتیبانی فنی در شهرستان‌ها نه تنها هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه فیلمسازان را تشویق می‌کند در همان منطقه به تولید آثار خود ادامه دهند و به قصه‌های محلی خود وفادار بمانند.

حمایت از بخش انیمیشن و آثار تجربی نیز باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. جشنواره‌ها به‌ویژه جشنواره فیلم کوتاه، مکانی مناسب برای دیده شدن این آثار هستند، اما بدون برنامه‌ریزی و حمایت بلندمدت، بسیاری از ایده‌های خلاقانه و نوآورانه فرصت بروز و تداوم پیدا نمی‌کنند. ایجاد شبکه‌ای از حمایت‌های مالی، آموزشی و پلتفرم‌های نمایش، می‌تواند انگیزه فیلمسازان را برای تولید آثار متفاوت و جسورانه افزایش دهد.

نقش انجمن سینمای جوان و سایر نهادهای فرهنگی در پس از جشنواره نیز بسیار حیاتی است. نمایش آثار جشنواره در پلتفرم‌های مختلف، از جمله تلویزیون، رسانه‌های دیجیتال و سالن‌های مستقل، می‌تواند مخاطبان بیشتری را با سینمای کوتاه آشنا کند. این موضوع نه تنها موجب دیده شدن بیشتر آثار می‌شود، بلکه فرهنگ‌سازی برای تماشای فیلم کوتاه را نیز در جامعه گسترش می‌دهد و سطح تعامل مخاطب با سینمای کوتاه را بالا می‌برد. جشنواره نباید تنها محدود به روزهای برگزاری باشد، بلکه آثار و پیام آن باید طی سال در دسترس عموم قرار گیرد تا تأثیر واقعی و پایدار خود را نشان دهد.

با توجه به این نکات، چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران نشان داد که سینمای کوتاه ایران، علی‌رغم چالش‌ها، ظرفیت بالایی برای خلاقیت، تنوع و تولید آثار با کیفیت دارد. این جشنواره به فیلمسازان امکان داد تا تجربیات خود را در معرض دید مخاطب قرار دهند و از یکدیگر بیاموزند و به زعم من مهم‌تر از جوایز، تجربه همکاری، نمایش و نقد حرفه‌ای است که مسیر حرفه‌ای این نسل از فیلمسازان را شکل می‌دهد.

در نهایت، این جشنواره فرصتی بود تا همه فیلمسازان، چه برنده باشند و چه نه، دستاوردهای خود را جشن بگیرند. هر فیلم، هر قصه و هر تلاش، بخشی از پازل سینمای کوتاه ایران و بدون هیچ استثنایی، ارزشمند و قابل احترام است. به امید آن که سال آینده، شاهد حضور پررنگ‌تر فیلمسازان شهرستانی، حمایت‌های مستمر، نمایش گسترده‌تر آثار و رشد فرهنگی مخاطبان سینمای کوتاه باشیم تا این هنر اصیل و ناب، جایگاه واقعی خود را در میان مردم و سینمای ملی پیدا کند.

## تحلیلی بر فیلم کوتاه و تجربی «کفچلیز» ساخته راحله بافهم

### دوزیستی انسان در عصر مصرف

محمد ناصری‌راد  
منتقد و فیلمساز

فیلم کوتاه و تجربی «کفچلیز» ساخته راحله بافهم، تجربه‌ای هفت دقیقه‌ای است

کشمکش میان انسان و زیست‌جهان مصرفی‌اش؛ اثری که در مرز میان فرم و بیانیه حرکت می‌کند و از دل انباشت تصویر و صدا، پرسشی عمیق و وجودی درباره زیستن در عصر زباله مطرح می‌سازد. عنوان فیلم، که در گویش محلی به معنای «دوزیست» است، بلافاصله ماهیت استعاری آن را روشن می‌کند: انسان امروز موجودی است که در دو اقلیم متناقض زیست می‌کند، اقلیم طبیعت و اقلیم مصنوع.

پری مصرف و صنعت در قالب دختری پلاستیک‌پوش تجسد یافته و در مرکز قاب، محور تصویری فیلم است؛ موجودی میان انسان و شیء که پوستش از لایه‌های مصرف ساخته شده. او سببی می‌خورد؛ میوه‌ای که در سنت اسطوره‌ای، نشانه آگاهی و آغاز انسان است، اما این جاطم آگاهی به زباله آلوده شده است. همین صحنه، لبّ ایده فیلم را در خود دارد: آگاهی در جهانی که از معنا تهی شده و به مصرف فروکاسته است.

فیلم بر پایه تدوینی آشفته و آگاهانه بنا شده است؛ ساختاری گاه کولازگونه که در آن، ریتم در خدمت حس بی‌قراری زمین و انسان طماع و حریص قرار می‌گیرد. تعدد لوکیشن‌ها - از خرابه و مرکز دیوی زباله تا ساختمان نیمه‌ساز - زیست‌جهانی فراواقعی خلق می‌کند که در آن همه چیز در مرحله احتضار است. دوربین بافهم در میان این فضاها پرسه می‌زند، بی‌آن که بر مرکز خاصی متمرکز شود؛ پرسه‌زدنی که در سطح معنایی، به پرسه انسان در میان نشانه‌های تمدن خویش شباهت دارد.

در کنار تصویر، صدا جایگاهی تعیین‌کننده دارد. صدای تلمبه‌زدن لاستیک، نغمه عروسی، همهمه رسانه و نویز آزاردهنده نهایی فیلم، بافتی صوتی می‌سازند که در آن مرز میان زندگی و اختلال از



میان می‌رود. صدا در این اثر صرفاً همراه تصویر نیست، بلکه خود تصویری دیگر از جهان است. تلمبه، تمثیل تنفس مصنوعی بشر امروز است؛ نوای عروسی، نماد جشن بی‌معنای مصرف؛ و نویز پایانی، استعاره‌ای از بانگ زمین در لحظه خفگی.

راحله بافهم در آغاز، از هوش مصنوعی برای بازسازی عناصر طبیعی چون درخت و پروانه بهره می‌گیرد؛ درختی که دیگر در خاک نمی‌روید، بلکه در پردازنده متولد می‌شود و پروانه‌ای که پروازش از جنس داده است و غریزه را از یاد برده.

این بهره‌گیری از ابزار مدرن، اگرچه از نظر مفهومی بسیار هوشمندانه است، در سطح اجرایی گاه مرز میان استعاره و تزئین را کمرنگ می‌کند. در برخی لحظات، حضور جلوه‌های دیجیتال چنان محسوس می‌شود که از حس ارگانیک فیلم می‌کاهد؛ با این حال، در تضادی خلاق با مفهوم «دوزیستی» قرار می‌گیرد و معنای فلسفی اثر را تقویت می‌کند.

از منظر فرمال، فیلم در قلمرو سینمای تجربی به جریان «اکوسینما» نزدیک است؛ سینمایی که می‌کوشد از طریق زبان تصویر، بحران محیط زیست را به آگاهی زیباشناسانه بدل کند. بافهم، به جای سخن گفتن از مفهوم «دوزیستی» قرار می‌گیرد و معنای فلسفی اثر را تقویت می‌کند.

از منظر فرمال، فیلم در قلمرو سینمای تجربی به جریان «اکوسینما» نزدیک است؛ سینمایی که می‌کوشد از طریق زبان تصویر، بحران محیط زیست را به آگاهی زیباشناسانه بدل کند. بافهم، به جای سخن گفتن از مفهوم «دوزیستی» قرار می‌گیرد و معنای فلسفی اثر را تقویت می‌کند.

در سطح میزاسن، فیلم از تکرار اشیاء بهره می‌گیرد تا جهان مصرف را چون تله‌ای تکرارشونده نشان دهد. تلویزیون، رادیو، لاستیک، بادکنک قرمز و آینه، هرکدام بخشی از بدن و پیکره تمدن‌اند؛ تلویزیون و رادیو به‌جای ارتباط، پژواک‌اند؛ بادکنک قرمز یادآور آرزوی کودکانه‌هایی است، اما در خرابه‌ها گم می‌شود و آینه، مرکز دآوری تصویر است، جایی که زشتی‌ها در هیئت زباله بازتولید معنا می‌کنند.

با این همه، «کفچلیز» واجد لحظاتی است که از دل فرم، به شعر بدل می‌شوند؛ آن‌جا که آینه تصاویر پلشتی را در خود می‌بلعد، یا بادکنک در میان لاستیک‌ها سرگردان می‌شود، سینما از ایده فراتر می‌رود و به حس می‌رسد؛ همان لحظات نادر که اندیشه و عاطفه در یک قاب واحد تنفس می‌کنند.

فیلم با نویز به پایان می‌رسد؛ نویزی که استعاره‌ای از وضعیت تعلیق است. گویی زمین در آخرین لحظه هنوز زنده است، اما در تردید میان بودن و فرسودگی. این انتخاب از حیث معناشناختی هوشمندانه است، زیرا اثر را در نقطه‌ای ناتمام رها می‌کند؛ همچون چرخه مصرف که هرگز به توقف نمی‌رسد.

در نگاه کلی، فیلم در مرز میان ایده و اجرا، میان شاعرانگی و بیانیه حرکت می‌کند. جسارت کارگردان در ترکیب فرم، صدا و استعاره ستودنی‌ست، هرچند گاه نیازمند لاییش بیشتر در ریتم و بافت است.

این اثر، هشدار نیست؛ اعتراف است. اعتراف به زیستن در میان زباله‌هایی که خود ساخته‌ایم.

## کارگردان اجل معلق در گفت‌وگو با صبا از مواجهه و تجربه شخصی‌اش با فیلم کوتاه گفت

### با جسارت فیلم بد بسازید! تشویق فیلمسازان ترسو می‌کند

مهديه مالکی  
گفت‌وگو

عادل تبریزی نویسنده و کارگردان درباره اینکه آیا فیلمسازی فیلم کوتاه مقدمه‌ای برای فیلم بلند

است گفت: این سوال اساساً غلط است چون ظرفیت هر قصه و موقعیت داستان مشخص می‌کند که برای فیلم بلند مناسب است یا کوتاه ... فیلم کوتاه و بلند به اندازه جدی است، فیلمساز در فیلم کوتاه می‌تواند

به راحتی هویت شخصی خود را پیدا کرده و صریح‌تر صحبت کند و به عقیده من جایگاه فیلم کوتاه برای بازنگری اجتماعی و جامعه‌شناسی درست‌تر از فیلم بلند است یعنی از طریق فیلم کوتاه بهتر می‌توان به هویت دوران خود شناخت پیدا کنیم چون فیلمسازان نسل جدید با صراحت و جسارت بیشتری فیلم می‌سازند و این بسیار با اهمیت است.



فیلمسازی تولید فیلم ارزان قیمت را آموزش دهیم تا خود را کشف کنند چون فیلمساز با ساخت فیلم می‌تواند خود را کشف کند، باید جسارت فیلم بد ساختن را به فیلمساز یاد دهیم چون اگر چنین تجربه‌هایی را به دست نیاورد ممکن است فیلم بد یا هزینه‌های زیاد تولید کند. وی با اشاره به اینکه تاکنون ۹ فیلم داستانی و ۲ فیلم مستند کوتاه ساخته است به فیلمسازان جوان توصیه کرد که «۲۰ فیلم بد ارزان قیمت بساز و بعد

برای یک فیلم خوب کمین کن» او در ادامه افزود: گویی رقابتی برای ساخت فیلم کوتاه با بهترین امکانات وجود دارد درحالی که این رویکرد اشتباه است برای مثال من در سال ۹۷ یک فیلم کوتاه با یک موبایل کم کیفیت ساختم که در ۱۵ جشنواره خارجی شرکت کرد و در جشنواره سلامت ایران جایزه گرفت و در همین فیلم کوتاه موبایلی خود را برای ساخت فیلم بهتر رصد کردم. تبریزی در پاسخ به اینکه تجربه ساخت فیلم کوتاه چقدر در فیلم‌های بلند شما موثر بوده است گفت: ساخت فیلم کوتاه و دستیارکارگردانی در فیلم‌های بلند برای من در کارگردانی فیلم بلند بسیار کمک‌کننده و موثر بود و بزرگترین هدیه تولید فیلم کوتاه به من، کشف سلیقه فیلمسازی خودم بود. من هویت و سلیقه فیلمسازی خود را با تولید فیلم کوتاه پیدا کردم

به همین دلیل فیلمسازی عادل تبریزی همان‌طور که در سریال «اجل معلق» وجود دارد در فیلم دهه نودم هم وجود دارد. وی در پایان به فیلمسازان جوان توصیه کرد که اصلاً فکر نکنید که یک فیلم خیلی خوب بسازید. از ساخت فیلم بد نترسید و ساخت فیلم را تجربه کنید، انتقادها را بپذیرید و از تشویق‌ها فرار کنید چون تشویق فیلمساز را ترسو می‌کند.

کارگردان سریال «اجل معلق» با ابراز تاسف از گران شدن تولید فیلم کوتاه تصریح کرد: در گذشته این امکان وجود داشت که با هزینه کم فیلم کوتاه تولید کرد. البته گرچه هزینه تولید فیلم کوتاه افزایش یافته ولی هنرجویان این حوزه نیز بی‌تقصیر نیستند و می‌توانند با هزینه کمتر فیلم بسازند. آنها می‌توانند با تلفن‌های همراه خود فیلمسازی را تجربه کرده و فیلم ارزان تولید کنند، هم اکنون جشنواره‌هایی زیادی در سطح بین‌المللی وجود دارند که فیلم‌های موبایلی می‌توانند در آن شرکت کنند، باید به هنرجوهای